

# بررسی ادراک گویشوران فارسی زبان از تنوع سبکی در زبان فارسی

احمد صفار مقدم<sup>۱</sup>، آتوسا رستم‌بیک تفرشی<sup>۲\*</sup>

۱. استاد پژوهشکده زبان‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران  
۲. استادیار پژوهشکده زبان‌شناسی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران

## چکیده

پژوهش حاضر که بر پیوستار سبکی زبان فارسی متمرکز است در چارچوب گویش‌شناسی ادراکی به بررسی تنوع سبکی می‌پردازد و نحوه ادراک گویشوران فارسی زبان از میزان رسمی بودن جملات زبان فارسی را مد نظر دارد. هدف پژوهش پاسخ به این پرسش‌ها است که چگونه می‌توان بر مبنای ویژگی‌های زبانی، میزان رسمی بودن یک جمله را تعیین کرد و کدام ویژگی‌های تلفظی، واژگانی و ساختاری بر قضاوت فارسی‌زبانان تأثیر بیشتری می‌گذارند. ابزار گردآوری داده از قضاوت گویندگان پرسشنامه‌ای متشکل از ۱۵ جمله است که گزاره واحدی را منتقل می‌کنند. مشارکت‌کنندگان در پژوهش ۷۰ مرد و زن در سه گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله (۳۵ نفر)، ۳۰ تا ۴۰ ساله (۲۰ نفر) و ۴۰ تا ۵۰ ساله (۱۵ نفر) می‌باشند که، به‌کمک شم زبانی خود، این جملات را بر پیوستاری از رسمی‌ترین تا غیررسمی‌ترین درجه تحلیل و نمره‌دهی کرده‌اند. پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی، و روش تحلیل داده، کیفی و کمی است. نتایج نشان می‌دهد که می‌توان با توجه به تعداد عناصر زبانی نشاندار سبکی میزان تقریبی رسمی بودن جمله را اندازه‌گیری نمود. با وجود این، قضاوت گوینده از میزان رسمی بودن یک جمله لزوماً به تعداد عناصر زبانی نشاندار سبکی بستگی ندارد و حضور برخی واژه‌ها و عباراتی که به‌لحاظ رعایت ادب در زبان نشاندار هستند، بر قضاوت تأثیر می‌گذارد. به طور کلی، به نظر می‌رسد که تأثیر انتخاب‌های واژگانی و برخی تغییرات تلفظی بر قضاوت گویشوران بیشتر از سایر ویژگی‌های تلفظی و ساختاری است.

**کلیدواژه‌ها:** گویش‌شناسی ادراکی، سبک، تنوع سبکی، ادب زبانی، گونه‌های اجتماعی



## ۱. مقدمه

زبان فارسی زبان معیار و زبان رسمی ایران است که گونه‌های متفاوتی دارد. بیکر<sup>۱</sup> (۲۰۱۰: ۴) گونه را اینگونه تعریف می‌کند: «اصطلاحی کلی است که می‌تواند به‌جای زبان، گویش و لهجه به-کار رود ولی منظور از گونهٔ زبان‌شناختی اجتماعی<sup>۲</sup> پدیده‌ای است که بر مبنای آن گویشوران، با توجه به متغیرهای ناحیه‌ای و یا اجتماعی، زبان را به شیوه‌های متفاوتی به‌کار می‌برند». جامعه‌شناسان زبان با بررسی متغیرهای اجتماعی مختلف، این گونه‌های زبانی متفاوت را با اصطلاحاتی چون گونهٔ کاربردی (سیاق)<sup>۳</sup>، گونهٔ جنسیتی، سبک<sup>۴</sup> و غیره طبقه‌بندی کرده‌اند. تفاوت‌های سبکی و کاربردی تا حد زیادی مستقل از یکدیگر هستند (وارداف، ۱۳۹۳: ۹۳). گونهٔ جنسیتی به کاربرد اصطلاحاتی اشاره می‌کند که به‌عنوان اصطلاحات خاص مورد استفاده زنان یا مردان، نشاندار هستند، مانند: اوا خدا مرگم بده! برای خانم‌ها و نوکرتم رفیق! برای آقایان. گویش اجتماعی یا گویش طبقه‌ای<sup>۵</sup> نیز از دیگر مفاهیمی است که به‌نوعی مرتبهٔ اجتماعی فرد را نشان می‌دهد (فرامکین<sup>۶</sup>، رادمن<sup>۷</sup> و هیامز<sup>۸</sup>، ۲۰۱۳: ۵۷۹). گویش اجتماعی ممکن است با سایر گونه‌های یک زبان تفاوت داشته باشد و مبنای تفاوت این است که «شما چه کسی هستید» یعنی «به چه طبقهٔ اجتماعی تعلق دارید» (حسن<sup>۹</sup>، ۱۹۷۳: ۲۲۶). تمرکز پژوهش حاضر بر سبک است. کرسویل<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۴: ۱۲) دربارهٔ سبک چنین می‌گوید: «در مطالعات جامعه‌شناسی زبان سخن از سبک بسیار به میان می‌آید. به‌عنوان مثال، گفتار رسمی، نه تنها نشان‌دهندهٔ صورتی از گفتار است که با دقت بیشتری ادا می‌شود، بلکه سبکی است که برای بیشتر بافت‌های عمومی مناسب است. سبک گفتار پدیده‌ای چندبعدی و در عین حال مخاطب‌محور است. به‌عبارتی، هنگام سخن‌گفتن، فرد با توجه به مخاطب خود و نیز سایر مردم، مشخصه‌های سبکی را انتخاب می‌کند. به تعریف، پلات<sup>۱۱</sup>، پلات<sup>۱۲</sup> و ریچاردز<sup>۱۳</sup> (۱۹۹۲: ۳۶۰) نیز سبک تنوع در گفتار یا نوشتار یک فرد است که بر حسب نوع موقعیت، مخاطب یا مخاطبین، مکان، موضوع مورد بحث و غیره از خودمانی تا رسمی در نوسان است. به این تفاوت‌ها در گفتار یا نوشتار، تنوع سبکی می‌گویند که می‌تواند در کاربرد آواهای گفتاری، واژه‌ها یا اصطلاحات مختلف، یا ساختارهای متفاوت جمله نمود یابد. ترادگیل (۱۳۷۶: ۱۳۲) به این نکته اشاره کرده است که گونه‌های زبانی را که با رسمیت موقعیت پیوند دارند، می‌توان سبک نامید و آنها را در امتداد پیوستاری از رسمی تا غیررسمی قرار داد. در برخی از

زبان‌ها تفاوت صریحی بین زبانگونه ادبی و زبانگونه عامیانه وجود دارد. با در نظر گرفتن آرای یادشده، سبک از دیدگاه نویسندگان این مقاله درجه‌ای از رسمیت بیان در گفتار یا نوشتار است که برحسب عوامل مختلف، از جمله نوع موقعیت، سطح اجتماعی و سن مخاطب یا مخاطبین، مکان و موضوع مورد بحث نمود می‌یابد. رسمیت در پیوستاری از بیشترین تا کمترین درجه قرار می‌گیرد که هرچه بیشتر می‌شود میزان ادب و جدی بودن بیان معمولاً افزایش می‌یابد. نویسندگان قائل به چهار درجه از رسمیت سبک می‌باشند که آنها را از بیشترین تا کمترین درجه، به ترتیب، با عنوان‌های کاملاً رسمی، رسمی، نیمه‌رسمی و غیررسمی پیشنهاد می‌کنند. از این دیدگاه، سبک متمایز از گونه‌های اجتماعی زبان است که برحسب میزان رسمیت از بیشتر تا کمتر به صورت مهذب، معیار، محاوره‌ای و عامیانه نامگذاری می‌شوند. تمایز این گونه‌ها هم در زبان گفتار و هم نوشتار برقرار است اما در گونه عامیانه، به دلیل بیسوادی و کم‌سوادی کاربران، قالب نگارش کاربرد محدودتری دارد. به‌رغم تمایز مطرح‌شده، سبک از ویژگی‌های جدایی‌ناپذیر گونه‌های اجتماعی به‌شمار می‌آید. درجات سبک با گونه‌های اجتماعی، به ترتیب یادشده، به‌طور کلی رابطه مستقیم دارند اما در شرایط و موقعیت‌های مختلف می‌توان سطوح متفاوتی از رسمیت را در هر گونه مشاهده کرد، مثلاً گونه عامیانه ممکن است با سبک رسمی همراه شود (سخن گفتن معتادی بی‌سواد در حضور مقام روحانی یا اداری برجسته) یا در گونه معیار و حتی مهذب عناصری از گونه عامیانه دیده شود (استفاده از کلمه گاه‌ها و خواهشاً).

در پژوهش حاضر ادراک گویشوران زبان فارسی از پیوستار سبکی زبان مورد تحلیل قرار می‌گیرد. چارچوب پژوهش گویش‌شناسی ادراکی<sup>۱۴</sup> (پرستون<sup>۱۵</sup>، ۱۹۹۹) است که بر بررسی نگرش‌های زبانی و اهمیت زبان‌شناسی عامه<sup>۱۶</sup> تأکید دارد. تحلیل ادراک رسمی بودن زبان فارسی، نوآوری پژوهش حاضر است و تلاش می‌شود به این پرسش پاسخ داده شود که چگونه می‌توان بر مبنای ویژگی‌های زبانی، میزان رسمیت یک جمله را تعیین کرد و تأثیر ویژگی‌های زبانی شامل ویژگی‌های تلفظی، واژگانی و ساختاری بر قضاوت فارسی‌زبانان چگونه است. فرضیه‌های پژوهش به این شرح هستند: با توجه به تعداد عناصر نشاندار سبکی می‌توان نمره میزان رسمی بودن جمله را محاسبه کرد و گویشور فارسی‌زبان، با در نظر گرفتن مشخصه‌های ویژه زبان گفتار، نسبت به تعیین جایگاه جمله در پیوستار سبکی رسمیت زبان تصمیم‌گیری می‌کند. همچنین تأثیر برخی از ویژگی‌های زبانی نشاندار سبکی بر قضاوت گویشوران بیشتر از



سایر ویژگی‌ها است. به این ترتیب، نتایج پژوهش حاضر اهمیت مشخصه‌های زبانی مختلف را در ادراک گویشوران از میزان رسمیت جملات نشان می‌دهد. یافته‌ها می‌تواند هم از منظر جامعه-شناسی زبان و هم از منظر آموزش زبان فارسی مورد توجه قرار گیرد.

## ۲. چارچوب و پیشینه پژوهش

همه گویشوران زبان کاربرد گونه‌های زبانی مختلف را در صحبت با دوستان و اعضای نزدیک خانواده از یکسو و حین صحبت با رئیس و یا یک مقام رسمی و در یک بافت رسمی از سوی دیگر، به نوعی تجربه کرده‌اند. وارداف (۱۳۹۳: ۹۲) میزان رسمیت را به عوامل مختلفی مرتبط می‌داند: نوع موقعیت، تفاوت‌های مختلف اجتماعی و سنی طرف‌های گفت‌وگو، نوشتاری یا گفتاری بودن کاربرد زبانی، رابطه احساسی یک یا چند نفر از گویشوران و غیره.

با وجود این، تعریف رسمی بودن یک گفته چندان آسان نیست. ریچاردز، پلات و پلات (۱۹۹۲: ۱۴۴) در فرهنگ لغات آموزش زبان و زبان‌شناسی کاربردی، گفتار رسمی را اینگونه تعریف می‌کنند: «نوعی از گفتار که در موقعیتی به کار می‌رود که گوینده مراقب شیوه تلفظ و انتخاب واژه و ساختار جمله است. این نوع گفتار، برای مثال، در موقعیت‌های رسمی مانند مناظره به کار می‌رود». هیلینگن<sup>۱۷</sup> و دیوئل<sup>۱۸</sup> (۱۹۹۹) معتقدند «درحالی‌که این تعریف، تصویری از موقعیت رسمی ارائه می‌دهد ولی گفتار رسمی را تعریف نمی‌کند و تنها فرضیه‌ای است درباره آنچه که گویشور در یک موقعیت خاص به آن توجه می‌کند. بدین ترتیب، معیار اصلی رسمیت گفتار غیرزبان‌شناختی است.» برخی از زبان‌شناسان (مانند گلاس<sup>۱۹</sup>، ۱۹۸۸) تلاش کرده‌اند که سطح رسمی بودن گفتار را با در نظر گرفتن فراوانی واژه‌ها و صورت‌های دستوری که به دو مقوله خودمانی یا دقیق تعلق دارند، مانند «تو» و «شما» یا حذف جزء فعلی منفی‌ساز در جملات منفی در فرانسسه و فراوانی «be» کمکی در زبان انگلیسی، تعریف کنند.

گفتار محاوره‌ای<sup>۲۰</sup> یا غیررسمی، به تعریف ریچاردز، پلات و پلات (۱۹۹۲: ۶۳)، در واقع همان گفتاری است که به طور روزمره و در موقعیت‌هایی که گوینده توجه خاصی به تلفظ، انتخاب‌های واژگانی یا ساختار دستوری ندارد، رخ می‌دهد. گفتار محاوره‌ای لزوماً گفتار فاقد اعتبار نیست و نباید آن را گونه مربوط به عوام و یا کم‌شان‌تر از گونه معیار دانست. گویشوران تحصیلکرده یک

زبان نیز به‌طور معمول در موقعیت‌های غیررسمی با دوستان و همکاران و اعضای خانواده از گونهٔ محاوره‌ای استفاده می‌کنند. به گفتهٔ ترادگیل (۱۳۷۶: ۱۴۰) نیز تعریف دقیق رسمیت تا حد زیادی بدین علت که حاوی عوامل بسیار متعددی از جمله آشنایی، رابطهٔ خویشاوندی، ادب، جدی بودن و غیره می‌باشد، چندان آسان نیست ولی اکثر مردم ادراک درستی از رسمی یا غیررسمی بودن زبانگونه‌های خود دارند. در زبان انگلیسی تفاوت‌های سبکی با تفاوت‌های واژگانی و نیز دستوری نشان داده می‌شوند (مانند tired در برابر fatigued و یا trip در برابر journey و نیز استفاده از حالت مجهول در سبک‌های رسمی‌تر). در زبان فارسی نیز انتخاب‌های واژگانی، صورت‌های تلفظی و حتی ویژگی‌های ساختاری می‌تواند به عنوان عناصر نشاندار سبکی مورد بررسی قرار گیرند. استفاده از ضمیر تو و شما، یا صورت‌های تلفظی گفتاری واژه، مانند «نون» به‌جای «نان» و یا تغییرات ساختاری مانند حذف فاعل، مفعول و یا ضمیر موصولی هر یک می‌تواند به عنوان نشانه‌ای از رسمی یا غیررسمی بودن گفته تلقی شود. هیلمان (۲۰۰۵: ۲۲) به نوع رخداد ارتباطی به‌عنوان عاملی اشاره می‌کند که رابطهٔ تنگاتنگی با رسمی یا غیررسمی بودن گفتار دارد. پژوهش‌هایی که در این حیطه انجام شده‌اند، معیارهای مختلفی را برای طبقه‌بندی رخداد‌های ارتباطی مطرح می‌کنند، به‌عنوان مثال، رسمی در مقابل غیررسمی، ادبی<sup>۲۱</sup> در مقابل محاوره‌ای<sup>۲۲</sup>، برنامه‌ریزی‌شده<sup>۲۳</sup> در مقابل برنامه‌ریزی‌نشده<sup>۲۴</sup>، تفصیلی در مقابل جزئی، انتزاعی در مقابل عینی، و نوشتاری<sup>۲۵</sup> در مقابل گفتاری<sup>۲۶</sup>.

در پژوهش حاضر، از اصول و روش‌های گویش‌شناسی ادراکی به‌عنوان چارچوب نظری استفاده می‌شود. پرستون (XXIII:۱۹۹۹) سه روش کلی برای انجام تحلیل‌های زبان‌شناختی معرفی می‌کند: الف: «پژوهش‌های زبان‌شناختی»، یعنی بررسی آنچه که مردم می‌گویند و حاصل آن گردآوری مجموعه‌ای از داده‌های زبانی است. انگاره ۱ نگرش گویش‌شناسی ادراکی به داده‌های زبانی را نشان می‌دهد. الف در رأس مثلث پژوهش‌های زبانی است که حاصل آن داده‌های زبانی است. پشت این الف، الف قرار دارد که نشان می‌دهد زبان‌شناسی نه تنها کاربرد زبان را طبقه‌بندی می‌کند، بلکه به شرایط و نیروهای شناختی، تعامل اجتماعی، جغرافیایی و غیره‌ای می‌پردازد که فراگیری، توزیع، شکل زبان، تغییر و کاربرد آن را تبیین می‌کنند. زبان‌شناسان اجتماعی، قوم‌نگاران، روان‌شناسان اجتماعی و مردم‌شناسان متوجه می‌شوند که برخی از تبیین‌های زیرساختی در الف<sup>۲۷</sup> به تصور و باور اجتماعی که گروه‌ها و افراد نسبت به یکدیگر دارند



مربوط است و این نظرات با کاربرد زبان بسیار مرتبط است. بنابراین، رویکرد جدیدی در مطالعات زبانی، یعنی ب، «نگرش‌های زبانی»<sup>۲۷</sup> را معرفی کردند. در اینجا نیز در پس ب، ب' قرار دارد که حقایقی چون روابط تاریخی بین گروه‌ها، وابستگی‌های روان جامعه‌شناختی (و سازوکارهای مرتبط با آن‌ها و مجموعه‌ای از سایر ارزش‌ها، باورها و کلیشه‌های فرهنگی) را در برمی‌گیرد. بخش سوم، ج، «بررسی نظر مردم دربارهٔ همهٔ مسائل مرتبط با زبان» است. آنچه مردم در این باره می‌گویند، خود متأثر از باورها و نگرش‌های آن‌ها است که ج' را شکل می‌دهد. ج و ج' بخشی از زبان‌شناسی عام هستند و گویش‌شناسی ادراکی یکی از زیرشاخه‌های این حیطهٔ کلی به‌شمار می‌آید. این سه حیطه در انگارهٔ ۱ نشان داده شده‌اند:

الف حالت‌ها و شرایط حاکم بر

آنچه مردم می‌گویند

الف

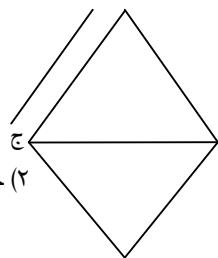
آنچه مردم دربارهٔ این موارد می‌گویند:

(۱) مردم دربارهٔ الف چه می‌گویند (الف)

(۲) چطور انجام می‌شود (الف')

(۳) چطور واکنش نشان می‌دهند (ب)

(۴) چرا این‌ها را می‌گویند (ب' و ج')



مردم به آنچه گفته می‌شود

چه واکنشی نشان می‌دهند

ب' و ج' - باورها، نگرش‌ها و راهبردهای حاکم بر ب و ج

انگارهٔ ۱- سه رویکرد به داده‌های زبانی (پرستون، ۱۹۹۹: XXIV)

به این ترتیب، گویش‌شناسی ادراکی، بازنمود توجه گویش‌شناس، زبان‌شناس اجتماعی و گونه‌شناس به زبان‌شناسی عامه است و در پی دست یافتن به پاسخ این پرسش برمی‌آید که «افراد غیرمتخصص دربارهٔ تنوع چه می‌گویند؟» (همان: XXIV). اوانز<sup>۲۸</sup> (۲۰۰۲: ۷۱) می‌گوید

«به‌طور کلی می‌توان گفت که هدف اصلی گویش‌شناسی ادراکی تعیین میزان آگاهی گویشوران نسبت به تفاوت‌های زبانی است. این اطلاعات معمولاً از طریق پرسشنامه، مصاحبه و واکنش نسبت به نمونه‌های زبانی استخراج می‌شود (لانگ، ۱۹۹۹)».

از پژوهش‌های تأثیرگذار غیر ایرانی در بررسی تنوع سبکی، استارکس<sup>۲۹</sup> (۲۰۰۱: ۶) به پژوهش لباو<sup>۳۰</sup> (۱۹۶۶) اشاره می‌کند که نه سبک بافتی از عامیانه تا رسمی را شناسایی کرد و برای هر یک راهنمایی ارائه داد که نشان‌دهنده تغییر از یک سبک به سبک دیگر بودند. به‌عنوان مثال، با شروع بحثی درباره بازی‌های دوران کودکی یا یک موقعیت خیلی خطرناک می‌توان تغییراتی را که در گفتار مصاحبه‌شونده مشاهده می‌شود و به‌لحاظ سبکی کمتر رسمی است ثبت کرد. وی معتقد است که این روش تحریک به تغییر سبک در پژوهش‌های جامعه‌شناختی زبان کاربرد فراوان دارد (مانند بایارد<sup>۳۱</sup>، ۱۹۹۵ و هولمز<sup>۳۲</sup> و بل<sup>۳۳</sup>، ۱۹۹۸). لاهیری<sup>۳۴</sup>، میترا<sup>۳۵</sup> و لو<sup>۳۶</sup> (۲۰۱۱)، ضمن اشاره به اینکه رسمی بودن یا عکس آن، غیررسمی بودن، از جنبه‌های مهم سبک است که می‌تواند در تعیین پیشینه اجتماعی یک سند و مخاطبین بالقوه آن نقش داشته باشد، به بررسی مفهوم رسمی بودن در سطح جمله از دو منظر منقذات پرداخته‌اند. نخست، نمره رسمی - بودن و توزیع آن در مجموعه داده‌ها، اینکه چگونه می‌توان آنها را با یکدیگر مقایسه کرد و چگونه می‌توان این نمره رسمی بودن را به جملاتی که توسط انسان برچسب‌دهی شده است مرتبط کرد و دوم، اندازه‌گیری تفاوت ذاتی بین دو قضاوت درباره یک جمله برچسب‌دهی شده. آنها معتقدند که به‌این ترتیب می‌توان دریافت که مفهوم رسمی بودن در سطح جمله تا چه حد ذهنی است.

بررسی پیشینه مطالعاتی که در حیطه تنوع گونه‌های زبانی فارسی و سبک انجام شده است، گویای آن است که تاکنون این موضوع از منظر ادراکی مورد بررسی قرار نگرفته است. حاجی کاظمی (۱۳۸۳) به بررسی ارتباط و همبستگی میان عوامل غیرزبانی جنسیت و تحصیلات و انتخاب نوع کنش گفتاری (مستقیم - غیرمستقیم) به‌عنوان یکی از عوامل گفتار مؤدبانه در بیان تقاضا پرداخته است. رضایی (۱۳۸۳) می‌گوید «آن گونه گفتاری زبان فارسی که امروزه به‌عنوان معیار مطرح است و در بین افراد تحصیل‌کرده و دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالاتر رایج است، زبان گفتاری رایج در تهران است. در بسیاری از وسایل ارتباط زبانی، نظیر کتاب‌های درسی، نوشته‌های علمی، روزنامه‌ها، نگارش‌های اداری و رسمی و در برخی از برنامه‌های رادیو و تلویزیون مانند پخش اخبار، از صورت نوشتاری زبان استفاده می‌شود. به‌این ترتیب، زبان



معیار فارسی دو گونه نوشتاری و گفتاری دارد. زبان گفتاری با زبان محاوره یکی است. زبان عامیانه گونه‌ای است که در میان قشرهای بی‌سواد و کم‌سواد و دارای مشاغل کم‌اعتبار رواج دارد. وی همچنین از مؤدبانه بودن گفتار به‌عنوان عاملی که ارتباط تنگاتنگی با رسمیت دارد، اشاره می‌کند و معتقد است در زبان معیار ادب و احترام بیشتری وجود دارد. صفارمقدم (۱۳۸۸) به پدیده ادب و مقایسه آن در زبان‌های کره‌ای و فارسی پرداخته است و ضمن اشاره به اینکه ادب و احترام در زبان کره‌ای، پیش از این ساختاری بسیار پیچیده داشته و در قالب هفت سطح یا سبک بیان بوده است، عنوان می‌کند که این پدیده امروزه به سادگی گراییده و در چهار سبک رسمی، مؤدبانه، صمیمی و ساده خلاصه می‌شود. در این زبان نمی‌توان جمله‌ای را بدون استفاده درست از نشانه‌های ادب در یکی از سبک‌های چهارگانه ادا کرد. وی به نقل از واتس (۲۰۰۴: ۵۰)، ضمن اشاره به اینکه صورت‌های مختلف رفتار اجتماعی در تمام فرهنگ‌های بشری مشاهده می‌شود و ملاحظه مشترک و متقابل نسبت به دیگران را وجه مشترک این صورت‌ها می‌شمارد، تعاریف محققان مختلف از ادب را به این شرح نقل می‌کند: لیکاف ادب را پدیده‌ای محصول جامعه می‌داند برای کاستن از اصطکاک‌های تعامل بین اشخاص. لیچ ادب را پرهیز راهبردی از اصطکاک تعریف می‌کند. براون و لوینسون ادب را نظام پیچیده‌ای می‌دانند برای کاستن از تهدید و وجهه و غیره.

افخمی و قاسمی (۱۳۸۸) برمبنای رویکرد زایشی و با پیش‌فرض قرار دادن سبک‌های زبانی به‌عنوان بخشی از توانش زبانی افراد، به ارائه پیوستاری از سبک‌های زبان فارسی پرداخته‌اند و برای طبقه‌بندی که برمبنای شم زبانی خود انجام داده‌اند، مثال‌هایی از متون ادبی ارائه کرده‌اند. آن‌ها سبک را متفاوت از گونه‌های زبانی که به‌دلیل عوامل فردی، اجتماعی، جغرافیایی و تاریخی در هر زبان وجود دارند، تعریف کرده‌اند. سبک مجموعه‌ای از ویژگی‌های زبانی است که در موقعیت‌های اجتماعی معین در گفتار یا نوشتار به‌کار گرفته می‌شود. این پژوهشگران پیوستار سبکی زبان فارسی را شامل سبک محترمانه، سبک رسمی، سبک نیمه‌رسمی، سبک محاوره‌ای و سبک عامیانه معرفی می‌کنند.

دباغی و میرزایی (۲۰۱۰) به بررسی کاربرد واژه‌های رسمی و غیررسمی در مکالمات تلفنی فارسی‌زبانان پرداخته‌اند و به‌این منظور، پنجاه مکالمه تلفنی کوتاه یک فرد ۲۸ ساله را ضبط و تحلیل کرده‌اند. آن‌ها نتیجه‌گیری می‌کنند که فرد درحین مکالمه با همسرش از صورت‌های



کوتاه‌شدهٔ واژه و عبارات عامیانه و خیلی خودمانی استفاده می‌کند. البته، در بعضی مواقع، مانند ابراز قدردانی و تشکر، کلام و انتخاب‌های واژگانی رسمی‌تر از سایر مواقع است. عباسی (۱۳۹۰) به بررسی و مقایسه فرایندهای واژه‌سازی رایج در دو گونهٔ علمی و محاوره‌ای پرداخته است. به‌این منظور، با استفاده از منابع مختلف، ۱۰۸۰ واژه (۵۴۰ واژهٔ علمی و ۵۴۰ واژهٔ محاوره‌ای) را به‌لحاظ ساختاری بررسی نموده و در مجموع ۶ فرایند واژه‌سازی را شناسایی کرده است. این فرایندها شامل سه فرایند اشتقاق، ترکیب و ترکیب و اشتقاق در گونهٔ علمی و سه فرایند ترکیب، اشتقاق، ترکیب و اشتقاق، تکرار، ترخیم و کوتاه‌سازی در گونهٔ محاوره‌ای می‌شود. در عین حال، بین فرایندهای مشترک در دو گونه نیز تفاوت‌هایی دیده می‌شود. غفارنمر و یزدان‌مهر (۱۳۹۱) به بررسی ساخت‌های گوناگونی که تحت تأثیر عوامل اجتماعی برای بیان آینده در زبان فارسی استفاده می‌شوند، پرداخته‌اند. آنها از فارسی گفتاری افرادی که به‌طور طبیعی و روزمره در اطرافشان می‌شنیدند به‌عنوان داده سود برده و ۹ گونهٔ واژگانی-نحوی را شناسایی کرده‌اند. یکی از معیارهایی که برای بررسی تأثیر عوامل اجتماعی بر نحوهٔ بیان زمان آینده در نظر گرفته‌اند، درجهٔ رسمیت گفتار است که بر مبنای نوع رابطه بین طرفین گفتار تعریف گردیده است. آنها ضمن اشاره به آگاهی‌شان از پیوستاری بودن درجهٔ رسمیت، صورت‌های ثبت‌شده در این پژوهش را در دو دستهٔ کلی رسمی و غیررسمی تقسیم‌بندی کرده‌اند. در داده‌های این پژوهش صورت‌های غیررسمی در بردارندهٔ زمان آیندهٔ فعل در مجموع ۱۰ برابر اظهارات رسمی بوده است و در هر دو صورت رسمی و غیررسمی، استفاده از مضارع اخباری فراوان‌ترین صورت زبانی بوده است. در گفته‌های غیررسمی، ساخت (دارم + فعل) ۱۲ مورد کاربرد داشته در حالیکه در گونهٔ رسمی، هیچ نمونه‌ای از این صورت زبانی دیده نمی‌شود. مدرسی (۱۳۹۱: ۲۲۸-۲۳۲) می‌گوید «به‌طور کلی برای هر زبان می‌توان یک پیوستار سبکی قائل شد که از رسمی‌ترین تا غیررسمی‌ترین سبک‌ها را دربرمی‌گیرد. تعداد گونه‌های سبکی در همهٔ زبان‌ها یکسان نیست اما به‌طور معمول، زبان‌شناسان بین سه تا پنج سبک برای زبان‌های مختلف قائل شده‌اند. به‌عنوان مثال، مارتین جوس (۱۹۶۱: ۱۱) برای زبان انگلیسی پنج سبک پیشنهاد نموده و هاج<sup>۳۷</sup> (۱۹۵۷: ۳۶۴) برای زبان فارسی چهار سبک قائل گردیده است که عبارتند از محاوره‌ای، محتاطانه، رسمی عادی و رسمی محترمانه. اما به‌نظر می‌رسد در فارسی به‌طور کلی دو سبک رسمی و غیررسمی وجود دارد که می‌توان برای هر یک از آنها دو سطح جداگانه قائل شد. در ایجاد تمایز در میان



گونه‌های سبکی مختلف، ویژگی‌های زبانی گوناگون در سطح واژگان، دستور و تلفظ دخالت دارند. خجسته و نادرینا (۲۰۱۶) به بررسی زبان عامیانه در ترجمهٔ رمان و راهبردهای اتخاذشده توسط سه مترجم مختلف پرداخته‌اند و این راهکارها را با الگوی ارائه‌شده توسط مک کریمون<sup>۳۸</sup> (۱۹۶۳) مقایسه کرده‌اند. مک کریمون ویژگی‌های زبان عامیانهٔ انگلیسی را به این شرح بیان می‌کند: در این گونه، کلمات نسبتاً کوتاه و ساده که معمولاً به لحاظ دستوری کامل نیستند و از ابزار بلاغی اندکی برخوردارند به کار گرفته شده است. استفادهٔ زیاد از اختصارها و صورت‌های کوتاه‌شدهٔ کلمات، حذف ضمائر موصولی، کاربرد اصطلاحات عامیانه، ساختار دستوری ساده‌شده که بیشتر بر ساختارهای استعاری تکیه دارد و گاهی به تمایزهای دستور ساختگرا بی‌توجه است و نیز لحن آشنا یا خودمانی که نویسنده به وسیلهٔ آن تلاش می‌کند بر خواننده تأثیر بگذارد از مشخصه‌های دیگر آن است. خجسته و نادرینا نتیجه گرفته‌اند که در ترجمه برای نشان دادن زبان محاوره‌ای، از راهبردهایی چون حذف، افزایش و ترجمهٔ محاوره‌ای، هم‌معنایی و بسط استفاده شده است.

### ۳. روش پژوهش

این پژوهش از نوع توصیفی-تحلیلی است و گردآوری داده به روش میدانی و با استفاده از پرسشنامه‌ای محقق ساخته که روایی آن به تأیید جمعی از متخصصان این حیطه رسیده بود، صورت گرفته است. به منظور بررسی ادراک گویشوران فارسی‌زبان از میزان رسمی بودن جمله، از پرسشنامه‌ای متشکل از ۱۵ جملهٔ زیر که گزارهٔ واحدی را با درجات متفاوتی از رسمیت منتقل می‌کنند، استفاده شد:

۱. من به آنها گفتم که باید از این خانه بروند و هرگز به اینجا بازنگردند.
۲. بهشون گفتم برنُ هیچ‌و ختم دیگه برنگردن.
۳. من به آنها گفتم که باید از این خانه بروندُ هیچ‌وقت به اینجا برنگردن.
۴. بشون گفتم برن گم شن از این خونه دیگه برنگردن.
۵. بشون گفتم بایس از این خونه برنُ هیچ‌وقتم دیگه برنگردن.
۶. گفتم باید از این خونه برن دیگم هیچ‌وخت برنگردن.

۷. من بهشون گفتم که باید از این خونه برنُ هیچ وقت به اینجا برنگردن.  
 ۸. من به اونا گفتم که باید از این خونه برنُ هیچ وقتم به اینجا برنگردن.  
 ۹. بشون گفتم گورِشونُ گم کنن بیرون از این خونه وُ دیگه پاشونو اینجا نذارن.  
 ۱۰. بشون گفتم برید گم شید بیرونُ دیگم این طرفا پیداتون نشه.  
 ۱۱. به اون خاک برسرای کتافت گفتم برن گم شن از این خونه نکبت بیرونُ دیگم ریخت  
 نحسشونُ اینجا نبینم.

۱۲. گفتم از این خونه برن دیگم برنگردن.  
 ۱۳. به آنها گفتم که باید این خانه را ترک کنند و هیچ گاه به اینجا بازنگردند.  
 ۱۴. من به آن خاک برسرهای الاغ گفتم که بروند و هرگز اینجا برنگردند.  
 ۱۵. بابا جون، بهشون گفتم از این خونه برن دیگه برنگردن.  
 مشارکت کنندگان در پژوهش ۷۰ مرد و زن در سه گره سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله (۳۵ نفر)، ۳۰ تا ۴۰ ساله (۲۰ نفر) و ۴۰ تا ۵۰ ساله (۱۵ نفر) بودند که این جملات را بر روی پیوستاری از رسمی-ترین تا غیررسمی ترین درجه قرار دادند و سپس، پاسخها با یکدیگر و با نمره میزان رسمی بودن جمله های پرسشنامه مقایسه گردید. این پژوهش از نوع توصیفی - تحلیلی و روش تحلیل، کیفی و کمی است. تفاوت های بین جملات پرسشنامه در سه مقوله تلفظ، انتخاب های واژگانی و ساخت جمله قابل قیاس هستند:

- تفاوت های تلفظی مانند:** آنها، اونها و اونا/ بهشان، بهشون و بشون/ هیچ وقت، هیچ وخت؛  
**تفاوت های واژگانی مانند:** هیچ گاه، هرگز و هیچ وقت/ ترک کنند، بروند بیرون، گم شوند بیرون و گورشان را گم کنند؛  
**تفاوت های ساختاری مانند:** کاربرد ضمیر متصل و منفصل/ حضور یا عدم حضور ضمیر موصولی/ نقل قول مستقیم و غیرمستقیم/ فاعل دستوری آشکار و مستتر/ حذف مفعول غیرمستقیم.

در تهیه پرسشنامه به این نکته توجه شده است که چند عنصر زبانی نشاندار سبکی به طور همزمان در جملات حضور داشته باشند که به این ترتیب، نتیجه پژوهش، رقابت بین این عناصر در میزان تأثیرشان بر قضاوت گوینده را نیز نمایش می دهد. نکته دیگری که در پرسشنامه مورد بررسی قرار گرفته است، تأثیر ادب در تعامل بر قضاوت گویشوران فارسی زبان از میزان رسمی



بودن جمله است. به این منظور، با گنجاندن ناسزا<sup>۳۹</sup> در جملات رسمی و غیررسمی تأثیر آن بر قضاوت مشارکت‌کنندگان مورد بررسی قرار گرفت. همچنین تأثیر به‌کارگیری اصطلاحات عامیانه بر برداشت گویشور فارسی‌زبان از میزان رسمی بودن جمله بررسی می‌شود. در برخی از جملات از ناسزاهایی چون «خاک بر سر» و «ریخت نحس» و کاربردهایی چون «پاشون رو اینجا نذارن» و «اینطرفا پیداتون نشه» و «گم بشن» استفاده شده است. مور<sup>۴۰</sup> (۲۰۱۲) با مقایسهٔ فحش و کلمات عامیانه معتقد است با اینکه هر دو معمولاً در کنار هم دیده می‌شوند و یکی انگاشته می‌شوند، اینگونه نیست و فحش و ناسزاها با توجه به بار عاطفی و معنایی‌شان دشوازه<sup>۴۱</sup> به شمار می‌آیند.

به‌منظور تعیین میزان رسمی بودن جملات پرسشنامه بر مبنای تعداد عناصر زبانی غیررسمی و ارائهٔ پیوستاری از جملات رسمی تا غیررسمی، ابتدا نمرهٔ میزان رسمی بودن هر جمله محاسبه شد. برای تعیین نمرات، سبک رسمی زبان مبنای قرار گرفت و به نمونه‌ای از این سبک ارزش صفر اختصاص یافت. در مواردی که صورت زبانی از این نمونه به‌لحاظ تلفظی، واژگانی و ساختاری به سوی صورت گفتاری غیررسمی متمایل شود یک ارزش منفی به آن تعلق می‌گیرد. در عین حال، اگر به سوی صورت گفتاری کاملاً رسمی حرکت کند، یک ارزش مثبت به آن داده می‌شود. شایان ذکر است که حرکت به سوی انتهای پیوستار رسمی بودن تنها در انتخاب‌های واژگانی رسمی‌تر و ادبی‌تر و عناصر ساختاری که وجودشان در صورت نوشتاری و گفتاری اختیاری است، نمود می‌یابد. جدول ۱، نمرهٔ رسمی بودن جملات پرسشنامه را نشان می‌دهد. به عناصر ساختاری چون فاعل آشکار در مقابل مستتر که در زبان فارسی به دو صورت در همهٔ بافت‌ها کاربرد دارد، امتیاز منفی تعلق نگرفته ولی هنگام تحلیل پاسخ‌های افراد، به آن توجه گردیده است.

## جدول ۱- عناصر زبانی نشاندار سبکی و ارزش عددی رسمی بودن هر جمله

شماره	عناصر نشاندار سبکی جمله	نمره
۱	(فاعل آشکار)، که (+ ساختاری، حرف ربط)، هرگز (+ واژگانی)، بازگردند (+ واژگانی)	+۳
۲	(فاعل مستتر)، بهشون (- تلفظی، تغییر واکه)، برن (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د؛ - ؛ - ساختاری، واژه‌بست)، هیچ‌وختم (هیچ‌وخت: - تلفظی، تبدیل ق به خ؛ م: - تلفظی، حذف ه چاکنایی)، دیگه (- تلفظی، تغییر آوایی)، برنگردن (- تلفظی، حذف د)	-۸
۳	(فاعل آشکار)، که (+ ساختاری، حرف ربط)، برون (واژه بست - ساختاری)	۰
۴	(فاعل مستتر)، بشون (- تلفظی، تغییر واکه؛ - تلفظی، حذف ه)، برن (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د)، گم شن (- اصطلاح عامیانه؛ - تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، دیگه م (دیگه: - تلفظی، تغییر آوایی؛ م: - تلفظی، حذف ه چاکنایی)، برنگردن (- تلفظی حذف د)	-۱۰
۵	(فاعل مستتر)، بشون (- تلفظی، تغییر واکه؛ - تلفظی، حذف ه)، بایس (- تلفظی)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، برن (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د؛ - ساختاری، واژه‌بست)، هیچ‌وختم (- تلفظی، حذف ه چاکنایی)، دیگه (- تلفظی، تغییر آوایی)، برنگردن (- تلفظی، حذف د)	-۱۰
۶	(فاعل مستتر)، (- ساختاری، حذف مفعول غیرمستقیم)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، برن (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د)، دیگه م (دیگه: - تلفظی، تغییر آوایی؛ م: - تلفظی، حذف ه چاکنایی)، هیچ‌وخت (- تلفظی، تبدیل ق به خ)، برنگردن (- تلفظی حذف د)	-۸
۷	(فاعل آشکار)، بهشون (- تلفظی، تغییر واکه)، که (+ ساختاری، حرف ربط)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، برن (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د؛ - ساختاری، واژه‌بست)، برنگردن (- تلفظی، حذف د)	-۵
۸	(فاعل آشکار)، اونا (- تلفظی، تغییر واکه؛ - تلفظی، حذف ه)، که (+ ساختاری، حرف ربط)، ازین (- تلفظی)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، برن (- تلفظی حذف و، - تلفظی حذف د؛ - ساختاری، واژه‌بست)، هیچ‌وختم (- تلفظی، حذف ه چاکنایی)، برنگردن (- تلفظی، حذف د)	-۸
۹	(فاعل مستتر)، بشون (- تلفظی، تغییر واکه؛ - تلفظی، حذف ه)، گورشون گم کنن (- اصطلاح عامیانه، گورشون: - تلفظی، تغییر واکه؛ - ساختاری؛ گم کنن: - تلفظی، حذف د)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، و (- تلفظی)، دیگه (- تلفظی، تغییر آوایی)، پاشون (- تلفظی، حذف ی؛ - تلفظی، تغییر واکه؛ - ساختاری)، نذارن (- تلفظی، حذف گ؛ - تلفظی، حذف د)، نقل قول غیرمستقیم	-۱۴
۱۰	(فاعل مستتر)، بشون (- تلفظی، تغییر واکه؛ - تلفظی، حذف ه)، برید (- تلفظی، حذف و)، گم شید (- اصطلاح عامیانه؛ - تلفظی، حذف و)، بیرون (- ساختاری)، دیگه م (دیگه: - تلفظی، تغییر آوایی؛ م: - تلفظی، حذف ه چاکنایی)، پیداتون (- تلفظی، حذف ی؛ - تلفظی، تغییر واکه)، نشه (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، تغییر همخوان)، نقل قول مستقیم	-۱۳



شماره	عناصر نشاندار سبکی جمله	نمره
۱۱	(فاعل مستتر)، اون (- تلفظی، تغییر واکه)، خاک بر سر ای کثافت (- اصطلاح عامیانه، - واژگانی، خاک بر سر! - تلفظی، حذف ه)، برن گم شن (- اصطلاح عامیانه، برن: - تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د، گم شن: - تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه، نکبت (- واژگانی)، بیرون (- ساختاری)، دیگه م (دیگه: - تلفظی، تغییر آوایی؛ م: - تلفظی، حذف ه چاکتایی)، ریخت نحسشون (- اصطلاح عامیانه، - واژگانی؛ - تلفظی، تغییر واکه؛ - ساختاری)	-۱۸
۱۲	(فاعل مستتر)، (- ساختاری، حذف مفعول غیرمستقیم)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، برن (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د)، دیگه م (دیگه: - تلفظی، تغییر آوایی؛ م: - تلفظی، حذف ه چاکتایی)، برنگردن (- تلفظی، حذف د)	-۷
۱۳	(فاعل مستتر)، که (+ ساختاری، حرف ربط)، ترک کنند (+ واژگانی)، هیچگاه (+ واژگانی)، بازنگردند (+ واژگانی)	+۴
۱۴	(فاعل آشکار)، خاک بر سرهای الاغ (- اصطلاح عامیانه، - واژگانی، خاک بر سر! - تلفظی، حذف ه)، که (+ ساختاری، ضمیر موصولی)، هرگز (+ واژگانی)	-۱
۱۵	بابا (- واژگانی)، جون (- تلفظی، تغییر واکه)، بهشون (- تلفظی، ادغام)، خونه (- تلفظی، تغییر واکه)، برن (- تلفظی، حذف و؛ - تلفظی، حذف د)، دیگه (- تلفظی، تغییر آوایی)، برنگردن (- تلفظی، حذف د)	-۸

به این ترتیب، بر مبنای امتیازدهی تلفظی، واژگانی و ساختاری جمله‌های پانزده‌گانه، پیوستاری از رسمی‌ترین تا غیر رسمی‌ترین جمله در انگاره ۲- ارائه شده است. جملاتی که نمره برابری داشته‌اند با «و» روی پیوستار در کنار هم قرار گرفته‌اند:

۱۱ ۹ ۱۰ ۵ و ۴ ۵ و ۸ و ۶ و ۲ ۱۲ ۷ ۱۴ ۳ ۱ ۱۳  
 ←—————→  
 غیررسمی‌ترین رسمی‌ترین

انگاره ۲- پیوستار رسمی بودن جملات پرسشنامه بر مبنای نمره‌دهی به عناصر زبانی

#### ۴. یافته‌ها

بعد از بررسی و مقایسه قضاوت گویشوران از میزان رسمی بودن جملات پرسشنامه در سه گروه سنی ۲۰ تا ۳۰ ساله، ۳۰ تا ۴۰ ساله و ۴۰ تا ۵۰ ساله، پربسامدترین گزینه منتخب مشترک

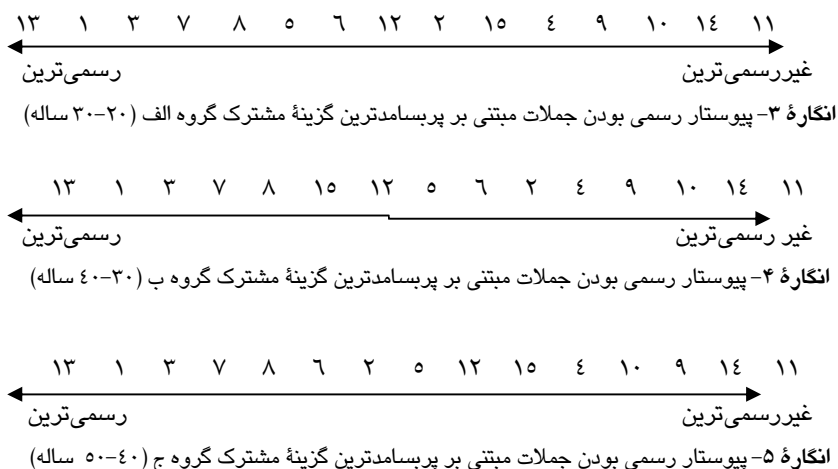
گويشوران در قضاوتشان از مرتبه هر جمله بر روی پيوستار به دست آمد. نتايج در جدول ۲- به تفکيک هر گروه ارائه شده است:

جدول ۲- قضاوت گويشوران نسبت به مرتبه جملات بر روی پيوستار ميزان رسمي بودن (هر چه مرتبه پايين تر است جمله رسمي تر است)

گروه جمله	الف- ۲۰ تا ۳۰ ساله (۳۵ نفر)	ب- ۳۰ تا ۴۰ ساله (۲۰ نفر)	ج- ۴۰ تا ۵۰ ساله (۱۵ نفر)
۱	۶۵/۷۱ درصد مرتبه ۲	۵۰ درصد مرتبه ۲ و ۴۵ درصد مرتبه ۱	۸۰ درصد مرتبه ۲
۲	۲۲/۸۵ مرتبه ۹ و ۲۰ درصد مرتبه ۵	۴۵ درصد مرتبه ۱۰	۴۲ درصد مرتبه ۷
۳	۷۷/۱۴ مرتبه ۳	۶۵ درصد مرتبه ۳	۸۶/۶ درصد مرتبه ۳
۴	۵۱/۴۲ مرتبه ۱۱	۵۰ درصد مرتبه ۱۱	۶۰ درصد مرتبه ۱۱
۵	۳۱/۴۲ مرتبه ۶	۲۰ درصد مرتبه ۷ و ۳۰ درصد مرتبه ۸	۴۴/۶۶ درصد مرتبه ۸
۶	۳۱/۴۲ مرتبه ۷	۳۰ درصد مرتبه ۹ و ۲۵ درصد مرتبه ۶	۲۶/۶ درصد مرتبه ۶
۷	۵۴/۲۸ مرتبه ۴	۶۵ درصد مرتبه ۴	۶۰ درصد مرتبه ۴
۸	۴۰ درصد مرتبه ۵	۴۵ درصد مرتبه ۵	۵۳/۳ درصد مرتبه ۵
۹	۳۱/۴۲ درصد مرتبه ۱۳	۵۰ درصد مرتبه ۱۲ و ۴۰ درصد مرتبه ۱۳	۴۶/۶ درصد مرتبه ۱۳
۱۰	۴۲/۸۵ درصد مرتبه ۱۳	۵۰ درصد مرتبه ۱۳	۴۰ درصد مرتبه ۱۲
۱۱	۴۵/۷۱ درصد مرتبه ۱۵	۵۰ درصد مرتبه ۱۵	۴۶/۶ درصد مرتبه ۱۵
۱۲	۲۰ درصد مرتبه ۷ و ۲۰ درصد مرتبه ۸	۲۵ درصد مرتبه ۷	۲۶/۶ درصد مرتبه ۹
۱۳	۶۸/۵۷ درصد مرتبه ۱	۵۵ درصد مرتبه ۱	۸۰ درصد مرتبه ۱
۱۴	۵۱/۴۲ درصد مرتبه ۱۴	۵۰ درصد مرتبه ۱۴ و ۴۵ درصد مرتبه ۱۵	۶۰ درصد مرتبه ۱۴
۱۵	۳۴/۲۸ درصد مرتبه ۱۰	۳۰ درصد مرتبه ۶	۶۰ درصد مرتبه ۱۰



در مرحله بعد، بر مبنای این نتایج، پیوستار میزان رسمی بودن جملات مبتنی بر قضاوت اکثریت گویشوران هر گروه ترسیم شد. انگاره‌های ۳، ۴ و ۵ این پیوستارها را نمایش می‌دهند:



## ۵. بحث و نتیجه‌گیری

رسمی‌ترین جملات پرسشنامه، یعنی سه جمله ۱۳، ۱ و ۳ در پیوستار مبتنی بر نمره‌دهی به عناصر زبانی (انگاره ۲)، به ترتیب در مرتبه‌های یکم تا سوم قرار گرفته‌اند. با توجه به اینکه تفاوت اصلی این سه جمله در انتخاب‌های واژگانی است، تأثیر انتخاب‌های واژگانی بر ادراک گویشوران از میزان رسمی بودن یک جمله تأیید می‌شود به گونه‌ای که واژه‌های ادبی‌تر، به‌عنوان رسمی‌تر قضاوت شده‌اند: «هیچ‌وقت، هرگز، هیچ‌گاه»، «بروند، ترک کنند» و «برنگردند، باز نگردند». جمله ۱۳ سه واژه ادبی «هیچ‌گاه»، «ترک کنند» و «باز نگردند» را دربردارد.

در پیوستار مبتنی بر نمره‌دهی به عناصر زبانی (انگاره ۲)، مرتبه چهارم به جمله ۱۴ با ارزش عددی (۱-) اختصاص دارد، در حالیکه جمله ۱۴ در قضاوت گویشوران هر سه گروه در مرتبه ۱۴ قرار گرفته است. ویژگی زبانی بارز جمله ۱۴، وجود ناسزا در جمله است. جمله‌ای که به لحاظ تلفظی و ساختاری منطبق بر فارسی نوشتاری معیار است ولی ناسزاهای «خاک بر سر» و «الاغ» در آن گنجانده شده‌اند. همانطور که جدول ۱ نشان می‌دهد، با توجه به اینکه به هر یک از عناصر



زبانی نشاندار به لحاظ سبکی یک امتیاز مثبت و یا منفی اختصاص می‌یابد، جمله ۱۱ با هجده امتیاز منفی، با اختلاف زیادی نسبت به سایر جملات، غیررسمی‌ترین جمله به‌شمار می‌آید و در مرتبه ۱۵ قرار می‌گیرد. این در حالی است که جمله ۱۴، تنها با یک امتیاز منفی در مرتبه ۴ قرار می‌گیرد که نشان‌دهنده تأثیرپذیری زیاد قضاوت گویشوران از عناصر واژگانی نشاندار سبکی چون ناسزا و توجه کمتر به عناصر تلفظی و ساختاری می‌باشد. بنابراین، این فرضیه که تعداد عناصر زبانی رسمی یا غیررسمی نقش اصلی را در قضاوت جایگاه یک جمله در پیوستار میزان رسمی بودن ایفا می‌کند، در این مورد رد می‌شود. از این‌رو، درک گویشوران از میزان رسمی بودن جمله ارتباط تنگاتنگی با رعایت ادب در تعامل زبانی دارد.

مطابق انگاره ۲، پیوستار ارزش عددی عناصر زبانی، جمله ۷ در مرتبه ۵ قرار می‌گیرد. بررسی پاسخ‌های شرکت‌کنندگان در این پژوهش، در هر سه گروه نشان می‌دهد که پربسامدترین مرتبه‌ای که به این جمله نسبت داده شده ۴ است. علت این تفاوت وجود جمله ۱۴ در مرتبه چهارم بر طبق ارزش عددی است که به عناصر جمله اختصاص داده شده و با قضاوت گویشوران از میزان رسمی بودن این جمله همخوانی ندارد. از طرف دیگر، جمله ۸ در هر سه گروه از گویشوران پربسامدترین گزینه برای جایگاه ۵ بوده است. علت این امر شباهت زیاد ساختاری و واژگانی بین جمله ۷ و ۸ است. به نظر می‌رسد غالب گویشوران این دو جمله را با یکدیگر مقایسه کرده‌اند.

جمله ۱۲ «گفتم از این خونه برن دیگه بر نگردن» که بر مبنای پیوستار ارزش عددی در مرتبه ششم قرار دارد، در قضاوت گویشوران در گروه‌های الف، ب و ج در مرتبه‌های ۸، ۷ و ۹ مشاهده می‌شود. ویژگی بارز این جمله در مقایسه با سایر جملات، کوتاه بودن جمله است که ناشی از حذف مفعول غیرمستقیم و عدم وجود عنصر قیدی است. به این ترتیب، می‌توان نتیجه گرفت که حذف عناصر ساختاری بر قضاوت گویشوران تأثیرهای متفاوت می‌گذارد.

در جمله‌های ۹ و ۱۰ به ترتیب از دو عبارت عامیانه «گورشون گم کنن» و «برین گم شین» استفاده شده که هردو ناسزا به‌شمار می‌آیند ولی یکی به صورت نقل قول غیرمستقیم و دیگری نقل قول مستقیم بیان شده است. در پیوستار ارزش عددی عناصر زبانی، جمله ۹ (۱۴-) در مرتبه ۱۴ و جمله ۱۰ (۱۳-) در مرتبه ۱۳ قرار می‌گیرد. با وجود این، در قضاوت گویشوران گروه الف و ب جمله ۱۰ غیررسمی‌تر قضاوت شده است. به نظر می‌رسد که نقل قول مستقیم عبارت توهین-



آمیز، در قضاوت گویشوران غیررسمی تر شناخته می‌شود و با ادب کمتری همراه است. دو جمله ۴ و ۵ که به لحاظ ارزش عددی عناصر زبانی برابر و در مرتبه‌های ۱۱ و ۱۲ قرار می‌گیرند، در قضاوت گویشوران از یکدیگر فاصله دارند؛ جمله ۴ در مرتبه ۱۱ و جمله ۵ در مرتبه ۶ و ۸ قرار گرفته است. علت این امر را می‌توان به وجود عبارت عامیانه توهین‌آمیز «برن گم شن» در جمله ۴ نسبت داد. در این مورد نیز تأثیر بیشتر عناصر واژگانی ناسزا بر قضاوت گویشوران تأیید می‌شود.

در جمله ۱۵ از عبارت «بابا جون» استفاده شده است. این جمله در گروه الف و ج در مرتبه ۱۰ و در گروه ب در مرتبه ۶ قرار گرفته و دلیل آن محتوای عاطفی آن است. به عبارت دیگر، محبت و صمیمیت بر قضاوت میزان رسمی بودن جملات تأثیر می‌گذارد.

نکته جالب توجه دیگر، در مقایسه مرتبه جمله‌های ۲ «من بهشون گفتم بایس برن هیچ و قتم دیگه بر نگردن» و ۵ «گفتم بشون بایس برن از این خونه اُ هیچ و قتم دیگه بر نگردن» آشکار می‌شود. با اینکه بر مبنای پیوستار ارزش عددی رسمی بودن، جمله ۲ از جمله ۵ رسمی‌تر است، در دو گروه الف و ب، جمله ۵ از جمله ۲ رسمی‌تر قضاوت شده است. تبیین این موضوع را می‌توان در اهمیت برخی از تغییرات تلفظی نسبت به برخی دیگر دانست. به نظر می‌رسد در غالب گویشوران اهمیت تغییر تلفظی تبدیل یک آوا به آوای دیگر که در نمونه «هیچ و قتم» و «هیچ و ختم» دیده می‌شود، بیشتر از تغییر تلفظی ناشی از حذف یک آوا است در نمونه «بهشون» و «بشون».

بنابر آنچه شرح داده شد، فرضیه اول مبنی بر امکان محاسبه نمره میزان رسمی بودن جمله بر مبنای تعداد عناصر نشاندار سبکی تأیید می‌شود. ولی قضاوت گویشوران تنها بر مبنای تعداد تغییرات و انباشت عناصر زبانی نشاندار سبکی صورت نمی‌گیرد. انتخاب‌های واژگانی مانند استفاده از واژه‌های عامیانه و ناسزا در مقایسه با تغییرات تلفظی تأثیر بیشتری بر قضاوت گویشوران می‌گذارند، تا جایی که سایر عناصر زبانی اهمیت سبکی خود را از دست می‌دهند. تأثیر استفاده از ناسزا بر قضاوت گویشوران را می‌توان به رابطه بسیار نزدیک بین ادب و رسمی بودن مرتبط دانست که با آرای ترادگیل (۱۳۷۶) و رضایی (۱۳۸۳) همسو است. بنابراین، با توجه به یافته‌های این پژوهش تأثیر عناصر واژگانی بر قضاوت گویشوران بیشتر از سایر عناصر است و از طرفی برخی از تغییرات تلفظی مانند تغییر آوا اهمیت بیشتری نسبت به تغییر تلفظی ناشی از حذف آوا دارد. به این ترتیب، فرضیه دوم پژوهش مبنی بر اهمیت بیشتر برخی از

ویژگی‌های زبانی در ادراک گویشوران از میزان رسمی بودن جمله تأیید می‌شود. که این نتیجه-گیری هم راستا با گلاس (۱۹۸۸) و ریچاردن، پلات و پلات (۱۹۹۲) است.

### ۶. پی‌نوشت‌ها

1. P. Baker
2. sociolinguistic variety
3. register
4. style
5. class dialects
6. V. Fromkin,
7. R. Rodman
8. N. Hyams,
9. R. Hasan
10. P. Kerswill
11. Platt, H.
12. Platt, J.
13. Richards, J. C.
14. perceptual dialectology
15. D. R. Preston
16. folk linguistics
17. F. Heylighen
18. J. M. Dewaele
19. N. Gelas
20. colloquial
21. literary
22. colloquial
23. planned
24. unplanned
25. written
26. spoken
27. language attitude
28. B. E. Evans
29. D. Starks
30. W. Labov
31. D. Bayard
32. J. Holmes
33. A. Bell,



34. S. Lahiri
35. P. Mitra
36. X. Lu
37. C. T. Hodge
38. J. McCrimmon
39. swear words
40. R. Moore
41. taboo

## ۷. منابع

- افخمی، علی و قاسمی، سید ضیاءالدین (۱۳۸۸). «سبک‌های زبانی در فارسی و نمود ادبی»، پژوهش‌های زبان‌های خارجی، شماره ۵۵، صص. ۵-۱۷.
- ترادگیل، پیتر (۱۳۷۶). *زبان‌شناسی اجتماعی، درآمدی بر زبان و جامعه*، ترجمه محمد طباطبایی، تهران: آگه.
- حاجی‌کاظمی، ندا (۱۳۸۳). بررسی رعایت ادب در کنش‌های بیانی زبان فارسی از دیدگاه زبان‌شناسی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی.
- رضایی، والی (۱۳۸۳). «زبان معیار چیست و چه ویژگی‌هایی دارد؟». *نامه فرهنگستان*، شماره ۲۳، ۳/۶، صص. ۲۰-۳۵.
- صفارمقدم، احمد (۱۳۸۸). «مقایسه عنصر ادب در زبان‌های کره‌ای و فارسی»، *فصلنامه تحقیقات فرهنگی*، دوره دوم، شماره ۱، صص. ۹۷-۷۷.
- عباسی، مجید (۱۳۹۰). *مقایسه فرایندهای واژه‌سازی در گونه علمی و محاوره زبان فارسی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان.
- غفارثمر، رضا و یزدان‌مهر، الهام (۱۳۹۱). «تحلیل گونه‌های واژگانی - نحوی بیان آینده در زبان فارسی زیر تأثیر عوامل اجتماعی»، *زبان و زبان‌شناسی*، دوره ۸، شماره ۱۶، صص. ۹۵-۱۱۴.
- مدرسی، یحیی (۱۳۹۱). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- وارداف، رولاند (۱۳۹۳). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*. ترجمه رضا امینی، تهران: انتشارات بوی کاغذ.

- Baker, P. (2010). *Sociolinguistics and corpus linguistics*. Edinburgh University Press. online: <http://www.ling.lancs.ac.uk/staff/paulb/socioling.htm>.
- Bayard, D. (1995). *Kiwitalk*. Palmerston North: Dunmore Press.
- Crystal, D. (2008). *Dictionary of linguistics and phonetics*. Sixth edition. USA: Blackwell.
- Dabagh, A., & Mirzaian, A. (2010). Patterns of Speech Accommodation and Lexical Formality in Telephone Conversations of Persian Native Speakers. *Global Journal of Human-Social Science Research*, 10(2).
- Eco, U. (1977). *A Theory of Semiotics*. Indiana University Press, Bloomington.
- Evans, Betsy E. (2002). "Attitudes of Montreal Students Towards Varieties of French", In Long and Preston (eds.) *The Handbook of Perceptual Dialectology*, Volume 2. pp. 71-94.
- Fromkin, V., R. R., & Hyams, N. (2013). *An introduction to language*. Cengage Learning
- Gelas, N. (1988). Dialogues authentiques et dialogues romanesques, in: *Echanges sur la conversation*, Editions du CNRS, Paris, 323-333.
- Hasan, R. (1973) "code, register and social dialect", *Class, Codes and Control*. Volume 2, *Applied Studies towards a Sociology of Language*, by Basil Bernstein, pp. 224-254.
- Heylighen, F. & Dewaele, J. M. (1999). Formality of language: definition, measurement and behavioral determinants. *Internet Bericht, Center "Leo Apostel", Vrije Universiteit Brussel*.
- Himmelmann, N. P. (2005). *Documentary and Descriptive Linguistics* (full version). Available online: <http://www.hrelp.org/events/workshops/eldp2005/reading/himmelmann.pdf>.
- Hodge, C. T. (1957). Some aspects of Persian style. *Language*, 33(3), 355-369.
- Holmes, J., & Bell, A. (1988). Learning by experience: notes for New Zealand social dialectologists. *Te Reo: Journal of the Linguistic society of New Zealand*, 31, 33-41.
- Holmes, J., & Bell, A. (1988). Learning by experience: notes for New Zealand social dialectologists. *Te Reo: Journal of the Linguistic society of New Zealand*, 31, 33-41.
- <http://profdoc.um.ac.ir/paper-abstract-1045721.html>
- Jakobson, R. (1987). Linguistics and Poetics. In R. Jakobson, *Language in Literature*. Harvard University Press, Cambridge, MA, pp. 62-94.
- Joos, M. (1967). *The five clocks* (Vol. 58). New York: Harcourt, Brace & World.
- Kerswill, P. (2004). Social dialectology/Sozial dialektologie. In Klaus Mattheier, Ulrich Ammon & Peter Trudgill (eds.) *Sociolinguistics/Soziolinguistik. An international handbook of the science of language and society*, 2nd ed., Vol 1. Berlin: De Gruyter. 22-33. ([www.lancaster.ac.uk/fss/.../Kerswill2004socialdialectologypdf.pdf](http://www.lancaster.ac.uk/fss/.../Kerswill2004socialdialectologypdf.pdf)).



- Labov, W. (1966). The social stratification of English in New York City. Washington, DC: Center for Applied Linguistics.
- Lahiri, S., Mitra, P., & Lu, X. (2011, February). Informality judgment at sentence level and experiments with formality score. In *International Conference on Intelligent Text Processing and Computational Linguistics* (pp. 446-457). Springer Berlin Heidelberg.
- Louwse, M. M. (2004). "Semantic variation in idiolect and sociolect: Corpus linguistic evidence from literary texts". *Computers and the Humanities*, 38(2), 207-221.
- McCrimmon, J. (1963). Writing With a Purpose (third ed.) New York: Houghton, pp 137-138.
- Moore, R. (2012). On swear words and slang. *American Speech*, 87(2).
- Platt, H., Platt, H., & Richards, J. C. (1992). Dictionary of language teaching and applied linguistics. *Essex: Longman*.
- Preston D R (ed.) (1999). *A handbook of perceptual dialectology*. Amsterdam: Benjamins. [A bibliography of works devoted principally to perceptual dialectology.]
- Starks, D., & McRobbie-Utasi, Z. (2001). Collecting sociolinguistic data: Some typical and some not so typical approaches. *New Zealand Sociology*, 16(1), 79-92.
- Wolfram, W. (1969). A Sociolinguistic description of Detroit Negro speech. Washington, DC: Center for Applied Linguistics.

### **A Study of Persian Speakers' Perception of Stylistic Variation in Persian Language**

The present research, focusing on Persian language continuum of styles, studies the stylistic variation of the language within the framework of perceptual dialectology, and it considers analyzing how Persian speakers perceive the degree of formality in Persian sentences. The research aims to respond to the questions how it is possible to define the degree of formality of a sentence according to linguistic features, and which phonetic, lexical and structural features exert more influence on Persian speakers' judgments. A researcher-made questionnaire consisting of 15 sentences which communicate the same proposition was used for gathering data on speakers' judgments. Informants were 70 men and women in three different age-groups, 20-30 (n=35), 30-40 (n= 20) and 40-50 (n=15) who analyzed and graded the sentences, according to the degree of formality, on a continuum from the most to the least formal, based on their intuition. A descriptive – analytic method was used to analyze the data quantitatively and qualitatively. The results show that it is possible to measure the approximate degree of formality of a sentence by counting the stylistically marked linguistic features. Nevertheless, the speaker's judgment on the degree of formality does not necessarily depend on the number of these features, and some lexical items and terms that are marked due to observing politeness will affect their judgment. In general, lexical choices and some phonetic changes seem to have more influence on the speakers' judgments than structural features.

Keywords: perceptual dialectology, style, stylistic variation, linguistic politeness, social variants